ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی

مرتضی خسرونیا *

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۵/۱۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۷/۰٤

چکیده:

محققی که بخواهد در میان عوامل شکل دهنده مسکن جزئی را برگزیند و به تحقیق بپردازد باید اولاً جایگاه آن را در ساختار کلی عوامل محیطی را که مسکن در آن احداث می‌شود تبیین نماید و ارتباط آن را با دیگر عوامل به خوبی بشناسد. ثانیاً سطح ژرفانگری خود را مشخص سازد، به عبارتی ابتدا به یک بینش کلی نیازمند است تا گزینش او مبتنی بر شناخت صورت گرفته باشد. در مقاله حاضر سعی شده به این بینش کلی پرداخته شود و عوامل تعیین کننده شکل‌گیری مساکن روستایی مشخص و مورد تحلیل قرار گیرد. به مفاهیم خانه و خانه روستایی و مفهوم جبر و فعل جبری پرداخته و به رویکردهای مختلف جبر محیطی و جبر فرهنگی و همچنین ارتباط متقابل عوامل اثر گذار در معماری روستایی پرداخته می‌شود و در خاتمه به میزان و درجه اثرگذاری هر عامل (محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) از خصوصیات شکل دهنده کالبد معماری روستایی که تحت تاثیر دو گروه کلی از عوامل مرتبط با محیط و طبیعی و عامل انسان شکل می‌گیرد، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مسکن، مسکن روستایی، جبر، فعل جبری، جبر محیطی، فرهنگ، بینش اجتماعی.

مقدمه

واحد مسکونی به عنوان اصلی‌ترین عنصر تشکیل سکونتگاههای روستای و شهری و در حقیقت کالبد اصلی شهر یا روستا را تشکیل می‌دهد؛ از سوی دیگر تأثیر مسکن در زندگی صرفاً در حد سکونتگاه برای رفع نیاز خلاصه نمی‌شود. مسکن در واقع محل امنی برای انسانها و چارچوبی برای حضور خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه است. مواجه با سکونتگاههای روستایی عمدتاً با هدف رفع محرومیت و دسترسی بهتر به خدمات و امکانات رفاهی و کم کردن آسیب‌پذیری سکونتگاهها در برابر بلایای طبیعی سامان می‌یابد ولی نباید این مسئله را نیز فراموش کرد که هویت و پاسداری از فرهنگ و سنت روستاییان، ارزشی غیر قابل انکار است. اگر از تجربیات گذشتگان بهره

* دانشجوی دوره دکترای دانشگاه شهید بهشتی دانشکده معماری و شهرسازی.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

نجوییم الزاماً دچار مشکلات زیادی خواهیم شد، اگر اندیشه شده معماری کنیم مطمئناً تأثیرات مثبتی خواهیم دید، در این صورت پای در جای پای گذشتگان قرار داده و به سوی افقی جدید گام خواهیم برداشت و از آزمون خطاها کاسته شده و از به هدر رفتن سرمایه‌های ملی جلوگیری می‌شود. لذا نبایستی سنّت خاص کشور یا منطقه را ناچیز انگاشت و از اندیشه‌های معماری پیشین قصور ورزید. اگر معماری بومی یک منطقه پس از گذر دورانهای متمادی به حدکمال و انتظام کالبدی و کارایی رسیده و اگر این تناسب کارا و هوشمندانه که اختصاص به همان منطقه جغرافیایی با ویژگی‌های منحصر به‌فرد خود دارد بدون مطالعه و توجه کنار گذاشته شود خطای فاحشی انجام گرفته است. بنابراین در حوزه معماری روستایی هرگاه سخن از حفظ ارزشها و میراث گذشته به میان آمده از مصادیق موجود در انطباق با معماری بومی که ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی در آن نمایان است، تاثیرگرفته است.

مسکن در واقع محل امنی برای انسان‌ها و چارچوبی برای حضور خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه است

- در شکل‌گیری مسکن روستایی دو عامل جغرافیای طبیعی و انسانی نقش اساسی را بازی می‌کنند. (احمدیان، ۱۳۸۷،ص۱٦) عامل جغرافیایی یعنی رابطه انسان با طبیعت که خود به دو عامل محیطی و طبیعی تقسیم می شود که عامل محیطی با خصوصیات آب و هوایی منطقه در ارتباط هست و عامل طبیعی به خصوصیات استقرار مسکن در دسته‌بندی جلگه‌ای، کوهستانی، کوهپایه‌ای و ساحلی

اگر معماری بومی یک منطقه پس از گذر دورانهای متمادی به حدکمال و انتظام کالبدی و کارایی رسیده و اگر این تناسب کارا و هوشمندانه که اختصاص به همان منطقه جغرافیایی با ویژگی‌های منحصر به‌فرد خود دارد بدون مطالعه و توجه کنار گذاشته شود خطای فاحشی انجام گرفته است

اشاره دارد، و عامل انسانی به روابط انسان با انسان در محیط در قالب ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایفای نقش می‌کنند. (جان لنگ،۱۳۸۱، ص۲۲) طی قرون متمادی و متأثر از شرایط و عوامل مذکور، اصول و مفاهیمی بر شکل‌گیری مسکن روستایی حاکم شده و در معماری گونه‌های متفاوت در مناطقی که شرایط یکسانی داشته‌اند، حاکم شده است. روستاییان عمدتاً خودشان در شکل گیری خانه‌های خویش نقش و نظر داشته‌اند و معماری خانه‌ها به گونه‌ای است که نیازها و توقعات آنان از زندگی‌شان را برآورده می‌سازد. بنابراین شناخت عوامل تأثیرگذار و نیاز روستاییان به نوع مسکن مورد نیاز و همچنین شناخت مفاهیم و اصول حاکم بر شکل گیری مسکن روستایی از مهم‌ترین اهداف خواهد بود.

- دلیل تنوع در مسکن روستایی چیست؟
- آیا دلیل این تنوع تاثیر جبری محیط و اقلیم است؟ یا فرهنگ واقتصاد؟
- آیا نظریه جبرگرایان صحیح است و عواملی وجود دارد که در معماری روستا نقش قطعی و تعیین کننده دارند؟

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

• آیا دامنه تاثیرگذاری عوامل جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بر شکل‌گیری مسکن روستایی در یک سطح است؟

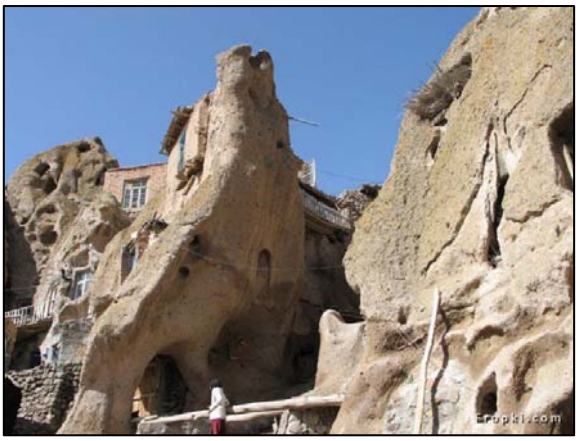

تصویر۱: روستای کندوان آذربایجان شرقی

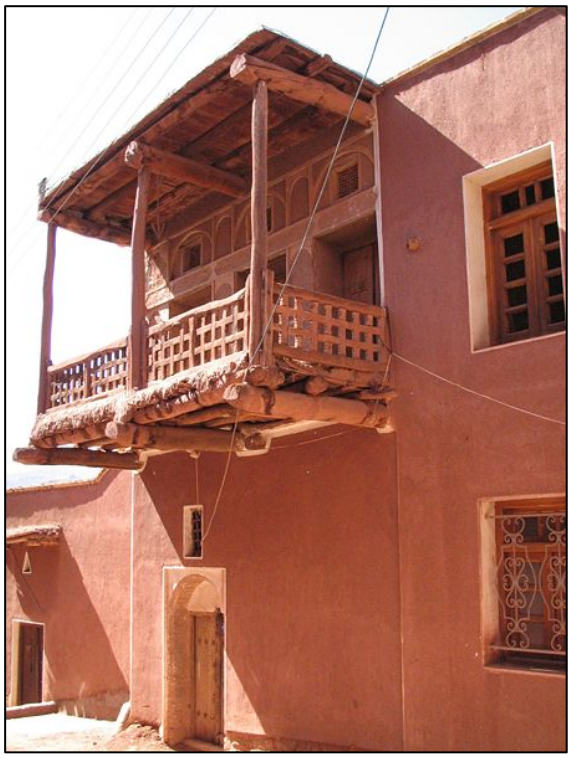

تصویر۲: روستای ابیانه در کاشان

طرح مسئله

به راستی این همه تنوع در مسکن و سیمای روستاهای ایران برای چیست؟ چه دلایلی باعث شده در مناطق کوهستانی خانه‌ها به صورت پلکانی بر دامن شیب کوه قرار گیرند. در جایی دیگر خانه‌های روستایی در دل کوه‌ها کنده شده و خطوط ارتباطی دشوار و پیچیده‌ای آنها را به یکدیگر مربوط می‌سازد مانند روستای کندوان در آذربایجان شرقی (تصویر۱) و ابیانه در کاشان (تصویر۲) در نواحی مرکزی ایران و در میان دشتها، قلعه دفاعی و مستحکمی با برج و بارو و خانه‌های بسیار درونگرا و به هم تنیده، در نواحی ساحلی دریای خزر، روستا مجموعه‌ای از خانه‌های منفرد در میان کشتزارها پراکنده شده‌اند (تصویر۳). نمونه این‌روستاها به‌وفور مشاهده می‌شود.

تصویر۳: خانه روستایی در گیلان سقف شیبدار و کولش پوش

سقف بام مساکن روستایی نیز در هر ناحیه ای با ناحیه‌ای دیگر متفاوت است. در جایی بامهای خانه‌ها یا گنبدی است و یا گهواره‌ای (طاق آهنگ)، ساخته شده از مشتی گل و پوشیده از اندود کاهگل، چون نواحی مرکزی و دشتی و حاشیه‌های کویر. در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

جایی دیگر سقف‌ها شیبدار، تخته پوش، سفال پوش، گالی پوش، کولش پوش و غیره است. این نوع خانه‌ها را اکثراً در نقاط جنگلی و پرباران مثل نواحی جنگلهای شمال و غرب ایران می‌بینیم.

دیواره‌ها و جداکننده‌های ساختمانهای روستاهای نواحی گوناگون از تنوع خاصی برخوردارند، در جایی دیوارها خشتی و قطور با ملات گل است، در جایی دیوارها سنگی هستند با ملات یا بدون ملات وخشکه چین، در جایی دیوارها را شبکه‌ای از تیرهای نازک تشکیل می‌دهند و بین آنها با گل پر می‌شود، در جایی دیگر دیوارها از تیرهای قطور روی هم سوار شده تشکیل می‌گردند.

در طرح و شکل کمی خانه‌های روستایی نواحی مختلف نیز تنوع زیادی به چشم می‌خورد. در جایی ساختار باز حاکم است و خانه‌ها بدون دیوارهای محصور کننده در فضای باز مستقر هستند و در جایی دیگر ساختار بسته به کل روستا سایه انداخته و خانه‌ها در درون چهار دیواری محصور هستند و همه چیز از نظرها پنهان است. در جایی طرح کلی خانه بسیار ساده است و از دو یا سه اتاق مستطیلی تشکیل شده که به هم تکیه داده‌اند. در جایی دیگر فضاهای خانه به گرد یک حیاط مرکزی حلقه زده و احیاناً در دو طبقه قرار گرفته‌اند، در جایی دیگر محوطه خانه بیشتر به قطعه‌ای از بیابان می‌ماند که احیاناً با دیوار کوتاه و چسبنده‌ای محصور شده و فضاهای خانه ظاهراً به طور نامنظم و جداً از هم در بخشهایی از این محوطه سر بر افراشته‌اند.

مثالهای گفته شده در بالا نشان دهندهٔ تنوع در معماری مسکن و بافت روستایی می‌باشد. ولی سئوال این است که براستی دلیل این همه تنوع چیست؟ آیا در شکل کلی مسکن، مصالح مورد استفاده قرار گرفته شده، تقسیم‌بندی فضاهای کلی و بیرونی مساکن، ارتفاع، درونگرایی و یا برونگرایی، داشتن و یا نداشتن حیاط، نوع پوشش سقف، رنگ به کار گرفته شده در تزئین ابنیه‌ها، متمرکز بودن و یا باز بودن بافت و سنج آن، ارتفاع ابنیه‌ها، بازشوها و معابر و پوشش آنها فقط بر اساس نظریه جزمگریان و دترمینیستها (determinist) عوامل اقلیمی و محیطی، نقش اساسی را ایفا می‌نمایند، یا اینکه عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موجب این همه تنوع فضاها گردیده است. به هر شکل، برای درک این مهم، لازم است که با نظریه ها و رویکردهای مختلفی که دربارهٔ شکل کلی معماری سکونتی و علل بوجودآمدن آن ارائه شده است، آشنا شد تا موضوع روشنتر گردد و بدین وسیله بتوان به نتایجی رسید. (زرگر، ۱۳۸۵، ص۳۱)

تعاریف

۱- مفهوم خانه

مفهوم خانه به عنوان ظرفی برای وجود انسان، ارزشی همپای مظروف خود می یابد. به قولی، هر فضایی که بتوان در آن "به واقع" مسکن گزید، مفهوم خانه را از آن خود می‌کند. خانه مکان تامل و تعامل روح و جسم انسان است و به نقل از بشلار، به ما این امکان را می‌دهد که در آرامش در خیالات خود غرق شویم. خانه مکانی است برای رشد همگام جسم و روح، یعنی همچنان که امنیت فیزیکی را به انسان می‌دهد و او را از خطرات محیط بیرون محفوظ می‌دارد و فضایی در درون به وجود می‌آورد، این فضای درونی، آرامشی را برای انسان به همراه می‌آورد که زمینه رشد و پرورش روحی وی را فراهم

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

آورده و بستر شکوفایی ناخودآگاه انسانی می شود. مکان تنهایی با خود، پایگاهی است برای تاملات و محتویات ذهن انسانی و فضای رشد خود انسان. (علی الحسابی، ۱۳۸۷، ص٦٨)

مفهوم خانه به عنوان ظرفی برای وجود انسان، ارزشی همپای مظروف خود می‌یابد. به قولی، هر فضایی که بتوان در آن "به واقع" مسکن گزید، مفهوم خانه را از آن خود می‌کند. خانه مکان تامل و تعامل روح و جسم انسان است

۲- خانه روستایی

سکونت در خانه محقق می شود، خانه مکان بسط مفهوم حیات است. پس خانه کالبدی است که حیات در آن جاری و ساری می شودو از این جهت داری اهمیت بسیار است.

حیات محسوس و معقول انسان در خانه به وقوع می پیوندد. در خانه تعلق به مکان شکل می‌گیرد. شولتز هویت فردی انسان‌ها را در سکونت خصوصی آنها مستتر و آن را نقطه‌ای ثابت می‌داند که شکل محیطی مفروض را به مکانی مسکون تغییر می‌دهد، خانه آگاهی را نه با عنایت بر توضیحات، بلکه با مفهوم وقوف یعنی توقف کردن و نشان یا اثر چیزها را در میان آنها یافتن عرضه می‌دارد. وی خانه را فضایی در دل فضا می‌داند که به تکرار ساختار مقدماتی محیط می‌پردازد. فضا اصلی‌ترین عنصر شکل‌دهی خانه است که ویژگی‌هایش را می‌توان بر آن اساس تعریف نمود. آنچه خانه روستایی را واجد ویژگیهایی خاص و متمایز از خانه شهری می‌نماید، در فضای آن مستتر است. (علی الحسابی، ۱۳۸۷، ص۷۰)

۳- تعریف مسکن روستایی

مسکن در قالب واحدهای مسکونی خانوارهای ساکن، نقش ارزشمندی در ثبات خانواده، رشد اجتماعی و اقتصادی و بالابردن ضریب ایمنی افراد جامعه و خصوصیات ارتقاء فرهنگی و آسایش روحی اعضاء خانواده داشته، و به نوبه خود در کل سیستم جامعه تاثیر می‌گذارد. مسکن به معنای عام کلمه، تجسم فضایی آرمان‌ها، ایده‌ها و عملکردهای انسانی است که همواره تحت تاثیر عوامل بازدارنده اقتصادی- اجتماعی و موانع فیزیکی قرار دارد. (طرح گونه شناسی، ۱۳۸۵،ص٤٠)

٤- جبر، فعل جبری

جبر یعنی اینکه ما انسانها اگر چه فعل و اعمالی را خودمان می‌توانیم انجام دهیم ولی در پاره‌ای از موارد، یک سری عوامل بیرونی بر فعل ما تاثیر می‌گذارند و ما اجباراً یا به قولی جبراً دست به آن عمل می‌زنیم. در نهایت اراده انجام آن از ما نبوده یعنی اینکه ما مامور اجرا هستیم. اختیار هم این معنا را می‌دهد که کارهایی که ما انجام می‌دهیم از اراده و خواست ما نشأت می‌گیرند. (پایگاه اینترنتی، مفهوم جبر و اختیار)

الف- رویکرد جبرگرایان محیطی (دیترمانیستها)

رویکرد جبرگرایان در ارتباط با تاثیر عوامل محیطی بر انسان و فعالیت‌های انسانی بدین گونه می‌تواند بیان شود: تأثیر عوامل طبیعی و محیط طبیعی از هر گوشه جهان و در هر دوره ای از زمان با توجه به شکل و نوع تمدن و فرهنگ انسانی تفاوتهای روشنی را بیان می‌دارد. به عبارت ساده‌تر اثرات عوامل طبیعی هر زمان و در هر مکان تغییر پذیر است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

ارسطو ((۳۲۲-۳۸٤ ق. م)) و ابن خلدون ((۷۳۲-۸۰۸ هجری)) هر دو به تاثیرات عمیق آب و هوا در اهم فعالیت‌ها و تلاش‌های انسانی معتقد بودند.

منتسیکو ((۱٦۸۹-۱۷۵۵)) معروف‌ترین نویسنده قرن هجدهم فرانسه چنین می‌گوید: اختلاف در خوی و منش و مزاج که این همه در سرشت و سرنوشت اقوام تأثیر می‌گذارد تا اندازه‌ای مدیون تأثیرات آب و هوایی می‌باشد. مثلاً مردم نواحی سردسیر مایل به سختی و شدت هستند ولی مردم نواحی گرمسیر تمایل به تنبلی دارند که: چرا اقوام جنوبی همیشه یکی پس از دیگری مغلوب اقوام شمالی شدند. مگر نه آنست که آب و هوای شمال نیروبخش است و آب و هوای جنوب بر اعصاب فشار می‌آورد؟ غلامان از جنوب می‌آمدند و سروران از شمال، آسیا یازده بار اسیر بیابان‌گردان شمال شده است.

بین عوامل طبیعی، آب و هوا تاثیر ژرف و عمیق خود را در پراکندگی اجتماعات انسانی، اشغال فضاهای جغرافیایی و نوع زندگی در همه نواحی زمین اعمال می‌کند

توماس باکل ((۱۸۲۱-۱۸٦۱)) محقق انگلیسی می‌گوید: آب و هوا و خاک و چهره‌های طبیعی در تاریخ حیات انسانها مهم بوده و به نظر ایشان هر چه انسان بیشتر بر محیط مسلط گردد به همان مقدار نیروهای خارجی و طبیعی، قدرت خود را در تعیین حوادث از دست خواهند داد. (شکوئی، ۱۳۸٦، ص۱٤۲)

آرنولد تاین بی عقیده دارد که اگر اثر شرایط محیط طبیعی آن چنان سخت و شدید باشد که انسان نتواند با مشکلات ناشی از خشونت و تحمیلات آن به مبارزه برخیزد و مقاومت نماید تلاش و کوشش او بی‌ثمر و بی‌نتیجه خواهد ماند. (همان منبع، ص۱٦٦)

السورت هانتیگتن هواشناس و کاشف امریکایی در سال ۱۸۷٦ در ارتباط با مسائل طبیعی به نقش آب و هوا تأکید زیادی داشته به طوری‌که عنوان می‌کند:

- بین عوامل طبیعی، آب و هوا تاثیر ژرف و عمیق خود را در پراکندگی اجتماعات انسانی، اشغال فضاهای جغرافیایی و نوع زندگی در همه نواحی زمین اعمال می‌کند.
- اثرات عوامل آب و هوا از مکانی به مکانی دیگر و از دوره‌ای به دوره دیگر بیش از سایر پدیده‌های طبیعی است.
- اثرات عوامل آب و هوا در سلامت، نیرو و قدرت انسان ساکن سیاره زمین بیش از سایر عوامل فیزیکی می‌باشد.
- بین عوامل طبیعی شرایط آب و هوا در رشد و شکوفایی تمدنها نقش عمده‌ای ایفاء کرده است.

بین عوامل آب و هوا حساسیت انسان به درجه حرارت به اندازه‌ای است که گاهی بعضی از افراد تنها با یکی دو درجه اختلاف در درجه حرارت محل مسکونی، مجبورند از اطاقی به اطاق دیگر بروند. (همان منبع، ص۱۷۱)

بدین ترتیب معماران و کسانی که به مطالعات جغرافیایی انسانی می پردازند در این رویکرد به طور گسترده‌ای نقش مسلط جبری آب و هوا و شرایط اقلیمی را در به وجود آوردن شکل کلی سکونتگاهها پذیرفته و روی آن اصرار می‌کنند. به عقیده آنان دغدغه قاطع انسانها ابتدا پیدا کردن جان پناه و سر پناه بوده است و در نتیجه شرایط اقلیمی و آب و هوایی نقش مسلط و حتی تعیین کننده‌ای در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

شکل گیری چارچوبی در قالب سر پناه دارند. بر مبنای این رهیافت مواد اولیه‌ای که در محیط یافت می‌شود نقش تعیین کننده‌ای در شکل کلی سکونتگاه دارند.

ب - رویکرد فرهنگ گرایان

در این رهیافت فرهنگ انسانی عامل تعیین کننده در فعالیت‌های انسانی به شمار رفته و اضافه می‌کنند که چهره‌های جغرافیایی و فضایی مکان‌ها انعکاسی از پایگاههای فرهنگی است. طرفداران این مکتب عملکرد شرایط طبیعی را در مکان‌های جغرافیایی یک عامل دست دوم و فرعی به حساب می‌آورند. از نظر آنها عوامل یکسان و یکنواخت طبیعی در کانونهای مختلف فرهنگی به اشکال گوناگون تجلی می‌کند. به نظر ایشان محیط طبیعی همواره امکاناتی در اختیار انسان قرار می‌دهد و این انسان است که با توجه به ویژگیهای فرهنگی خود یکی از آنها را

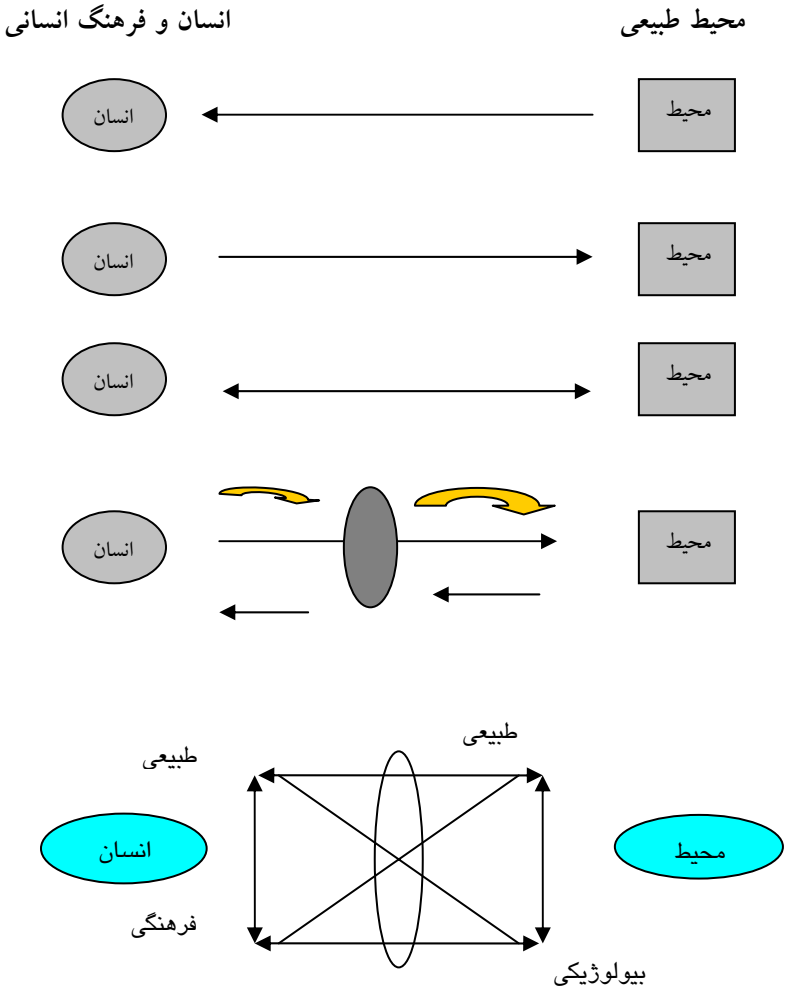

نمودار۱: روابط جامعه انسانی و عوامل محیط طبیعی (جورج کارتر)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

انتخاب می‌نماید. بدین ترتیب مسکن به عنوان یکی از تبلورات فضایی فرهنگ و عوامل معنوی می‌تواند تحت تاثیر تنوعات فرهنگی قرار گرفته و همانطور که در این رویکرد اشاره گردید بیشتر فرم و شکل مسکن می‌تواند ناشی از تفاوت‌ها در بخش فرهنگ باشد.

جورج کارتر دانشمند آمریکایی با تهیه نمودار زیر توانسته است به شکل ساده این روابط محیط طبیعی و فرهنگی انسانی را بیان کند.

مرحله اول: محیط طبیعی بطور مستقیم در انسان و رفتار انسان و خلق فضایی وی مؤثر می‌افتند.

مرحله دوم: تنها انسان می‌تواند در محیط طبیعی تأثیر نماید و در رابطه انسان با محیط طبیعی جریان مخالفی وجود ندارد.

مرحله سوم: عمل و عکس‌العمل در قطب انسان و محیط را نشان می‌دهد. به عبارتی انسان با فرهنگهای گوناگون با محیط در تعامل دوسویه می‌باشند.

مرحله چهارم: در اینجا شکل عدسی به مثابه یک صافی عمل می‌نماید و وظیفه دارد که اثرات عوامل محیط طبیعی را قبل از عملکرد در جامعه انسانی از خود عبور دهد تا انسان بتواند محور فعالیتهای خویش را در محیط طبیعی با مشاهده دقیق و تجربه تعیین و انجام دهد از طرفی تأثیرات متقابل ولی غیرمستقیم از اختصاصات این مرحله است. (شکوئی، ۱۳۸۵، ص۱۸۲)

مرحله پنجم: در اینجا انسان با طرح مسائل پیچیده، مرکب و درهمی یک انسان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، معنوی، مصمم وآینده نگر محسوب می‌شود ازسوی دیگر محیط طبیعی نیز که از آب هوا، انواع خاک، پوشش گیاهی و زندگی حیوانی ترکیب شده است به شاخه‌های فرعی زیادی تقسیم می‌گردد و بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید.

آنچه که در این رهیافت بر آن تأکید می‌شود اهمیت بسیار زیاد مسائل فرهنگی نظیر علایق، سنتها، ارزشها، زبان، دین و مذهب در فرم و شکل گیری فضاها است. به نحوی که جان راسکین معمار فرهنگ گرای قرن نوزدهم اشاره می‌کند که خصوصیات خاص معماری ملت‌ها نه تنها از انطباق آنها با مکانها و اقلیم‌ها، که از پیوستگی شان با آب و هوای ذهنی خاصی ناشی می‌شود که در آن به خود توسعه بخشیده‌اند.

به عقیده هایدگر انسان با سکونت است که به بودن دست پیدا می‌کند. آنها عنوان می‌کنند که نهادهای نمادین فراوانی در خانه و مسکن وجود دارد و خانه نه تنها به منظور انجام مجموعه‌ای از اعمال حیات مادی در نظر گرفته شده است بلکه در آن مناسک دین و آئین انجام می‌شود

به اعتقاد این مکتب، در کنار مسائل فرهنگی، مذهب ارتباط بسیار زیادی با شکل کلی سکونتگاه و مسکن دارد. در این رویکرد خانه تنها یک جان پناه و سر پناه نیست بلکه خیلی فراتر از آن است. جایی است که انسان در آن به آرامش روحی و روانی دست پیدا می‌کند. به عقیده هایدگر انسان با سکونت است که به بودن دست پیدا می کند. آنها عنوان می کنند که نهادهای نمادین فراوانی در خانه و مسکن وجود دارد و خانه نه تنها به منظور انجام مجموعه‌ای از اعمال حیات مادی در نظر گرفته شده است بلکه در آن مناسک دین و آئین انجام می‌شود. در تحلیل نهایی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

نقش فرهنگ و عوامل انسانی به طور خلاصه در سه مبحث می‌تواند دسته‌بندی شود:

۱- فرهنگ تعیین کننده دیدگاه اهداف معماری

بدون شک فرهنگ استفاده کننده از یک فضا در نوع معماری اثر مستقیم دارد. به عبارت دیگر اولین چیزی که برای هر معماری مهم است این است که منظور از این معماری چیست؟ آیا سکونت است؟ آموزش است؟ عبادت است؟ زیرا استفاده کنندگان فرهنگها و انتظارات و اهداف خاصی از این موضوعات دارند و دیدگاه سازنده را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

بدون شک فرهنگ استفاده کننده از یک فضا در نوع معماری اثر مستقیم دارد. به عبارت دیگر اولین چیزی که برای هر معماری مهم است این است که منظور از این معماری چیست؟

۲- فرهنگ سازنده رفتارها وعملکردها می‌باشد

مردم هر فرهنگی به نوع خاصی زندگی می‌کنند که با فرهنگ‌های دیگر متفاوت است. به شکل خاصی می‌نشیند، به شکل خاصی می‌خوابند به نوعی استراحت می‌کنند و یا کار می‌کنند. تنوع عملکردها و رفتارها در یک خانه متناسب با فرهنگ می‌باشد. این امر باعث به وجود آمدن تنوع فضاها می‌شود. نوع عملکرد و شکل عملکرد نیز عاملی است که شکل و اندازه فضا راتعیین می‌کند. مثلاً شخص در جاهای متفاوت تعریف متفاوت دارد مثلاً عمل نشستن و دور هم جمع شدن در فرهنگ‌های متفاوت با هم فرق دارد. ارتباط فضاها در هر ساختمانی به دلیل اینکه از فعالیت‌های مختلفی تشکیل شده متعاقب آن دارای تنوع فضایی است. فرهنگ است که تعیین می‌کند که چه فضاهایی با همدیگر ارتباط داشته باشند چه فضاهایی ارتباط نداشته باشند و شدت ارتباط چقدر باشد. آیا ارتباط شکلی باشد یا بصری و یا رفتاری.

۳- فرهنگ سازنده نمادها و سمبل‌ها می‌باشد

مردم در هر فرهنگی با توجه به سابقه و تاریخ خود نمادها و سمبل‌هایی در زمینه‌های مختلف دارند که این نمادها و سمبل‌ها در بسیاری از موارد هویت آن فرهنگ یا جامعه می‌باشد. این نمادها می‌توانند به موارد زیر تعمیم شوند:

الف- ملی: نمادهایی که هویت ملی یک قوم را نشان می‌دهند.

ب- مذهبی: نمادهایی هستند که اندیشه یا تاریخ مذهب جامعه را نمایان می‌سازند.

ج- طبیعت: فرهنگها متناسب با اهداف به چیزهایی که در محیط وجود دارد معنای خاص بخشیده و آنها را به نمادهایی از صفات تبدیل می‌کند. مثل آب مظهر پاکی، سرو نشانهٔ آزادگی.

د- ابداعات هنری: در بسیاری از موارد ابداعات هنری و خلاقیتها به عنوان نشانه خاص مطرح می شود. مانند خط نستعلیق.

بدین ترتیب آنچه که مسلم بنظر می‌رسد فرهنگ یکی از کلیدی‌ترین موضوعات در مبحث گونه‌شناسی مسکن روستایی می‌تواند محسوب شود.

ج- رویکرد بینش اقتصادی

اقتصاد در شکل کلی سکونتگاهها سنتی و بومی نقش قاطع و تعیین کننده‌ای دارد. این عامل عمدتاً بر

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

چگونگی، تولید و توزیع ثروت، حرکت (گردش) نحوه تولید، توزیع و مصرف محصولات و رابطه آن با ساخت کالبدی بحث می‌کند. نوع معیشت و توزیع کالا، همگی از عوامل اقتصادی هستند که می‌توانند بر ساختار کالبدی بافت و مسکن اثر مستقیم بگذارند. چرا که هر فعالیتی نیاز به فضایی دارد و این نیاز با تعبیه عناصری تامین می‌گردد.

در بینش اقتصادی نهایت تلاش انسان برای بهره برداری دقیق و صحیح و صرفه جویانه از منابع تحت اختیار برای برآوردن نیازهای بنیادی خودش است و لذا جایی برای گسترش و تجمل و الحاقات و اضافات در مسکن باقی نمی‌ماند

بدین ترتیب در بینش اقتصادی نهایت تلاش انسان برای بهره برداری دقیق و صحیح و صرفه جویانه از منابع تحت اختیار برای برآوردن نیازهای بنیادی خودش است و لذا جایی برای گسترش و تجمل و الحاقات و اضافات در مسکن باقی نمی‌ماند. لذا مسکن در این شرایط ساده‌ترین و محقرترین و ابتدایی‌ترین صورت خود را دارد. با افزایش تولید مازاد بر نیاز بخشی از سرمایه به صورت ثروت در می‌آید و در خدمت رفاه قرار می‌گیرد و اثرات آن به صورت قطعی و تعیین کننده روی شکل کلی مسکن، که یکی از معمولی‌ترین و بارزترین نمادهای انسان است، ظاهر می‌گردد. (طرح گونه شناسی، ص۸۱)

د- رویکرد بینش اجتماعی

عده‌ای نیز نظام اجتماعی و نیاز مبرم به تامین امنیت کل جامعه در مقابل بیگانگان و نظم و آرامش در امور اجتماعی را مطرح و مد نظر قرار می‌دهند و شکل کلی سکونتگاه روستایی را در ارتباط با آن تشریح و توجیه می‌کنند و عوامل اجتماعی را بر سایر عوامل تاثیرگذار ارجح‌تر می‌دانند. (همان منبع، ص۹٤)

ه- ارتباط متقابل عوامل موثر در معماری روستا

مجموعه خصوصیات کالبدی در روستاهای کشور متاثر از مجموعه‌ای از عوامل گوناگون محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. که هر یک با شدت و ضعفی متفاوت از این عوامل تاثیر می‌پذیرند، با وجود دشواری‌های متعدد، در خصوص ارائه نظامی یکسان از تاثیر گذاری عوامل و تاثیر پذیری خصوصیات کالبدی مسکن می‌توانیم چهار گروه عوامل طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را با دربرگرفتن عوامل متنوع فرعی برای تسریع فرآیند شکل‌گیری و برای سهولت مطالعه با دیاگرامی، ارتباط آنها را با یکدیگر ترسیم کنیم. دیاگرام زیر نشان‌دهنده ارتباط متقابل عوامل مؤثر در معماری کالبد روستا می‌باشد.

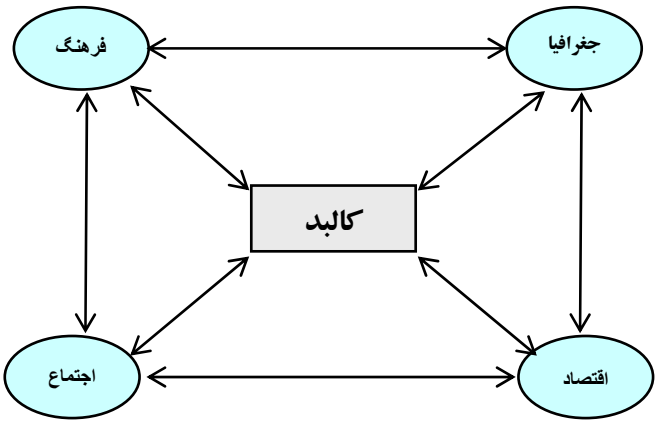

نمودار۱: ارتباط متقابل عوامل مؤثر در معماری کالبد روستا (زرگر ،۱۳۸۵،ص۳۰)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

کالبد روستا تحت تأثیر عوامل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. هیچ کدام از عوامل بطور مستقل عمل نکرده و در رابطه و تاثیر متقابل نسبت به یکدیگر قرار دارند

دیاگرام فوق نشان دهنده این است که کالبد روستا تحت تأثیر عوامل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. هیچ کدام از عوامل بطور مستقل عمل نکرده و در رابطه و تاثیر متقابل نسبت به یکدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر در حالی که روستا تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و فرهنگی است این دو عامل نیز بدون ارتباط نبوده و روی هم تأثیر دارند. البته نظر به اینکه یک مجتمع زیستی در عالم واقع یک پدیده‌ای واحد است و نمی‌توان عوامل و اجزاء فرهنگی و اقتصادی، اجتماعی، زیست بومی وغیره آن را از یکدیگر جدا کرد، روستا نیز پدیده واحدی است، زیرا شامل عده‌ای از مردم است که شغل و فعالیت تولیدی ویژه‌ای دارند، در محیط معین و مشخص زندگی می‌کنند، با یکدیگر روابط و مناسبات ویژه و تعیین شده‌ای دارند، دارای باورها، اعتقادات و ارزشهای ویژه‌ای هستند و در بستر جغرافیایی خاصی زندگی می‌کنند. لذا روستا و مسکن روستایی مجموعه‌ای نیست که از اجزاءتشکیل شده است، بلکه همانطور که گفته شد، یک پدیده واحد است.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

مسکن در روستاها تحت تاثیر عواملی چند قرار دارد که این عوامل در کنار هم فرم و شکل خانه های روستایی را رقم می‌زنند، مسئله جبری بودن یک عامل و چیرگی آن بر عوامل دیگر از نظر علمی مورد قبول نیست و مقبولیت ندارد. جبر محیطی و یا جبر فرهنگی و یا جبر اقتصادی هر کدام بدون در نظر گرفتن دیگر عوامل، که هر عامل خواسته و ناخواسته بر عوامل دیگر تاثیر و فصل مشترک یا بهتر بگوییم مکمل و به وجود آورنده دیگری است. به عنوان مثال میزان فراوانی بارش در منطقه‌ای، انواع خاصی از فعالیت‌های اقتصادی را میسر می‌سازد که به منظور جوابگویی نیاز به فضایی از این فعالیت‌ها، تابع نظمی ویژه می‌باید بود و این گونه فعالیت‌های اقتصادی که

رویکرد جبرگرایان محیطی	رویکرد فرهنگ گرایان	رویکرد بینش اقتصادی	رویکرد بینش اجتماعی
تاثیر آب و هوا در اهم فعالیتها و تلاش‌های انسانی؛ رابطه تسلط انسان بر محیط و بالعکس؛ مواد اولیه برای ساخت	علایق، سنتها، ارزشها، زبان، دین، مذهب در فرم و شکل گیری فضا تاثیر دارد.	چگونگی تولید، توزیع ثروت حرکت، نحوه تولید و توزیع و مصرف هر عملکردی نیاز به فضا دارد، ثروت عامل قطعی و تعیین کننده روی شکل کلی مسکن	تامین امنیت، نظم و آرامش در امور اجتماعی، تبادلات اجتماعی بر روی شکل مسکن تاثیر دارد

جدول ۱: خلاصه دیدگاه‌های مطرح شده

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]

مشارکت همه افراد خانواده را می‌طلبد، موجب بروز ظواهر فرهنگی متفاوت با دیگر نقاط خواهد بود.

بنابراین به نظر می‌رسد که هر عاملی بر عامل دیگرتاثیر دارد و در واقع عوامل از هم دیگر وام می‌گیرند.

محدودیت روش مطالعه علمی ما را مجبور به تجزیه روستا به اجزاء و عوامل موثر در شکل گیری کالبد مسکن و طبقه‌بندی آنها می‌کند. شیوه متعارف تحقیقات علمی حکم می‌کند که موضوع مورد مطالعه را به اجزای تشکیل دهنده آن تجزیه نمود و برای رسیدن به قانونمندی کلی موضوع، این اجزا را طبقه‌بندی نمود و هر یک ازآنها را جدا گانه مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

فهرست منابع

– حاجی ابراهیم رزگر، اکبر." درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران"، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.

– شکوئی، حسین." فلسفه جغرافیا"، انتشارات گیتا شناسی، تهران، ۱۳۸٦.

– تولون، پرفسور ب ."جغرافیای سکونت، سکونت‌های روستایی"، ترجمه محمد مظاهری، دانشگاه تربیت مدرس تبریز، چاپ اول، ۱۳۷٤.

– بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذر بایجان غربی. "طرح‌های هادی روستای"، ارومیه، ۱۳۸۷.

– بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذر بایجان غربی. "طرح گونه شناسی مسکن روستای استان آذربایجان غربی"، دفتر اول، ارومیه، ۱۳۸٦.

– علی الحسابی، مهران." الگوی مسکن روستایی"، روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب، ۱۳۷٤.

– جان لنگ ."آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط"، ترجمه عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

– احمدیان، رضا و محمدی، حمید و موسوی، سیروس. "ویژگی های شکلی بافت های روستایی ایران"، آبادی، شماره ۵۹، تابستان ۱۳۸۷.

- http://noorpotal.net

- Sangam Publishers, Rural housing in Tamil Nadu, the University of California, Feb 18, 2009, 292 pages

[Downloaded from jhre.ir on 2026-01-30]